

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ﴿١﴾

فولادوند: نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه

مکارم: قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت.

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ﴿٢﴾

فولادوند: و هر گاه نشانه‌ای ببینند روی بگردانند و گویند سحری دایم است

مکارم: و هر گاه نشانه و معجزه‌های را ببینند اعراض کرده می‌گویند: این سحری است مستمر!

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أُمَّرٍ مُّسْتَقِرٌّ ﴿٣﴾

فولادوند: و به تکذیب دست زدند و هوسهای خویش را دنبال کردند و [لی] هر کاری را [آخر] قراری است

مکارم: آنها (آیات خدا را) تکذیب کردند و از هوای نفسشان پیروی نمودند و هر امری قرارگاهی دارد.

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ﴿٤﴾

فولادوند: و قطعا از اخبار آنچه در آن مایه انزجار [از کفر] است به ایشان رسید

مکارم: به اندازه کافی برای انزجار از بدیها اخبار (انبیا و امتهای پیشین) به آنها رسیده است.

حِكْمَةٌ بِالْعِزَّةِ فَمَا تُعْنِ النُّذُرُ ﴿٥﴾

فولادوند: حکمت بالغه [حق این بود] ولی هشدارها سود نکرد

مکارم: این آیات، حکمت بالغه الهی است اما اندازها (برای افراد لجوج) مفید نیست.

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُكْرٍ ﴿٦﴾

فولادوند: پس از آنان روی برتاب روزی که داعی [حق] به سوی امری دهشتناک دعوت می‌کند

مکارم: بنابراین از آنها روی گردان و روزی را به یادآور که دعوت کننده الهی مردم را به امر وحشتناکی دعوت می‌کند (دعوت به

حساب اعمال).

خُشِعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ ﴿٧﴾

فولادوند: در حالی که دیدگان خود را فروهسته‌اند چون ملخهای پراکنده از گورها [ی خود] برمی‌آیند

مکارم: آنها از قبرها خارج می‌شوند در حالی که چشم‌هایشان از وحشت به زیر افتاده و (بی هدف) همچون ملخهای پراکنده به

هر سو می‌دوند!

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسْرٍ ﴿٨﴾

فولادوند: به سرعت سوی آن دعوتگر می‌شتابند کافران می‌گویند امروز [چه] روز دشواری است

مکارم: در حالی که (بر اثر وحشت و اضطراب) به سوی این دعوت کننده گردن می‌کشند و کافران می‌گویند امروز روز سخت و دردناکی است.

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ ﴿٩﴾

فولادوند: پیش از آنان قوم نوح [نیز] به تکذیب پرداختند و بنده ما را دروغزن خواندند و گفتند دیوانه‌ای است و [بسی] آزار کشید

مکارم: پیش از آنها قوم نوح تکذیب کردند (آری) بنده ما (نوح) را تکذیب کرده و گفتند: او دیوانه است و (با انواع آزارها) او را (از ادامه رسالتش) بازداشتند.

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرَ ﴿١٠﴾

فولادوند: تا پروردگارش را خواند که من مغلوب شدم به داد من برس

مکارم: او به درگاه پروردگار عرضه داشت: من مغلوب (این قوم طغیانگر شده‌ام، انتقام مرا از آنها بگیر.

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ ﴿١١﴾

فولادوند: پس درهای آسمان را به آبی ریزان گشودیم

مکارم: در این هنگام درهای آسمان را گشودیم و آبی فراوان و پی در پی فروربارید.

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ﴿١٢﴾

فولادوند: و از زمین چشمه‌ها جوشانیدیم تا آب [زمین و آسمان] برای امری که مقدر شده بود به هم پیوستند

مکارم: و زمین را شکافتیم و چشمه‌های زیادی بیرون فرستادیم، و این دو آب به اندازه‌ای که مقدر بود با هم درآمیختند.

وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْأَوَاحِ وَدُسِّرِ ﴿١٣﴾

فولادوند: و او را بر [کشتی] تخته‌دار و میخ‌آجین سوار کردیم

مکارم: و او را بر مرکبی که از الواح و میخ‌هائی ساخته شده بود سوار کردیم.

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَنْ كَانَ كُفِرَ ﴿١٤﴾

فولادوند: [کشتی] زیر نظر ما روان بود [این] پاداش کسی بود که مورد انکار واقع شده بود

مکارم: مرکبی که تحت نظارت ما حرکت می‌کرد این کیفری بود برای کسانی که به او کافر شدند.

وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿١٥﴾

فولادوند: و به راستی آن [سفینه] را بر جای نهادیم [تا] عبرتی [باشد] پس آیا پندگیرنده‌ای هست
مکارم: ما این ماجرا به عنوان نشانه‌ای در میان امتهای باقی گذاردیم، آیا کسی هست که پند گیرد.

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ﴿١٦﴾

فولادوند: پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [من]

مکارم: (اکنون بنگرید) عذاب و اندازهای من چگونه بود؟!

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿١٧﴾

فولادوند: و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم پس آیا پندگیرنده‌ای هست
مکارم: ما قرآن را برای تذکر آسان ساختیم آیا کسی هست که متذکر شود.

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ﴿١٨﴾

فولادوند: عادیان به تکذیب پرداختند پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [من]

مکارم: قوم عاد (نیز پیامبر خود را) تکذیب کردند اکنون (ببینید) عذاب و اندازهای من چگونه بود؟

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾

فولادوند: ما بر [سر] آنان در روز شومی به طور مداوم تندبادی توفنده فرستادیم
مکارم: ما تندباد وحشتناک و سردی را در یک روز شوم مستمر بر آنها فرستادیم.

تَتَرَعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ ﴿٢٠﴾

فولادوند: [که] مردم را از جا می‌کند گویی تنه‌های نخلی بودند که ریشه‌کن شده بودند
مکارم: که مردم را، همچون تنه‌های نخل ریشه‌کن شده، از جا برمی‌کند.

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ﴿٢١﴾

فولادوند: پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [من]

مکارم: (اکنون ببینید) عذاب و اندازهای من چگونه بود؟

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٢٢﴾

فولادوند: و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم پس آیا پندگیرنده‌ای هست
مکارم: ما قرآن را برای تذکر آسان کردیم، آیا کسی هست که متذکر شود؟

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذْرِ ﴿٢٣﴾

فولادوند: قوم ثمود هشداردهندگان را تکذیب کردند

مکارم: طایفه ثمود (نیز) اندازهای الهی را تکذیب کردند.

فَقَالُوا أَبَشْرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعْرٍ ﴿٢٤﴾

فولادوند: و گفتند آیا تنها بشری از خودمان را پیروی کنیم در این صورت ما واقعا در گمراهی و جنون خواهیم بود

مکارم: و گفتند: آیا ما از بشری از جنس خود پیروی کنیم؟! اگر چنین کنیم در گمراهی و جنون خواهیم بود!

أَوَلَقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَابٌ أَشْرٌ ﴿٢٥﴾

فولادوند: آیا از میان ما [وحی] بر او القا شده است [نه] بلکه او دروغگویی گستاخ است

مکارم: آیا از میان ما تنها بر این مرد وحی نازل شده؟ نه، او آدم بسیار دروغگوی هوسبازی است.

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِّنَ الْكَذَابِ الْأَشْرِ ﴿٢٦﴾

فولادوند: به زودی فردا بدانند دروغگوی گستاخ کیست

مکارم: ولی فردا می‌فهمند چه کسی دروغگوی هوسباز است!

إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْهُمْ وَأَصْطَبِرْ ﴿٢٧﴾

فولادوند: ما برای آزمایش آنان [آن] ماده‌شتر را فرستادیم و [به صالح گفتیم] مراقب آنان باش و شکیبایی کن

مکارم: ما «ناقه» را برای آزمایش آنها می‌فرستیم، در انتظار پایان کار آنها باش و صبر کن.

وَبَيِّنْ لَهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ ﴿٢٨﴾

فولادوند: و به آنان خبر ده که آب میانشان بخش شده است هر کدام را آب به نوبت خواهد بود

مکارم: و به آنها خبر ده که آب (قربه) باید در میان آنها تقسیم شود (یک روز سهم ناقه، و یکروز برای آنها) و هر يك در نوبت خود

باید حاضر شوند.

فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ ﴿٢٩﴾

فولادوند: پس رفیقشان را صدا کردند و [او] شمشیر کشید و [شتر را] پی کرد

مکارم: آنها یکی از یاران خود را صدا زدند، او به سراغ این کار آمد و (ناقه را) پی کرد.

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ﴿٣٠﴾

فولادوند: پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من]

مکارم: (اکنون بنگرید) عذاب و انذارهای من چگونه بود؟!

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ ﴿٣١﴾

فولادوند: ما بر [سر]شان يك فریاد [مرگبار] فرستادیم و چون گیاه خشکیده [کومه‌ها] ریزریز شدند

مکارم: ما فقط يك صیحه (صاعقه عظیم) بر آنها فرستادیم و به دنبال آن همگی به صورت گیاه خشکی درآمدند که صاحب

چهارپایان در آغل جمع آوری می‌کند!

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٣٢﴾

فولادوند: و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کردیم پس آیا پندگیرنده‌ای هست

مکارم: ما قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم آیا کسی هست که متذکر شود.

كَذَبَتْ قَوْمٌ لُوطٍ بِالنُّذْرِ ﴿٣٣﴾

فولادوند: قوم لوط هشداردهندگان را تکذیب کردند

مکارم: قوم لوط انذارهای (پی درپی پیامبرشان را) تکذیب کردند.

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسِحْرِ ﴿٣٤﴾

فولادوند: ما بر [سر] آنان سنگبارانی [انفجاری] فرورفتادیم [و] فقط خانواده لوط بودند که سحرگاهشان رهانیدیم

مکارم: ما بر آنها تنبادهای که ریگها را به حرکت درمی آورد فرستادیم (و همه را هلاک کردیم) جز خاندان لوط را که سحرگاهان آنها

را نجات دادیم.

نِعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ ﴿٣٥﴾

فولادوند: [و این] رحمتی از جانب ما بود هر که سپاس دارد بدین‌سان [او را] پاداش می‌دهیم

مکارم: این نعمتی بود از ناحیه ما، اینگونه کسی را که شکرگزار است پاداش می‌دهیم.

وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذْرِ ﴿٣٦﴾

فولادوند: و [لوط] آنها را از عذاب ما سخت بیم داده بود و [لی] در تهدیدها [ی] ما به جدال برخاستند

مکارم: او آنها را در مورد مجازات ما انذار کرد، ولی آنها اصرار بر مجادله و القاء شك داشتند.

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرٍ ﴿٣٧﴾

فولادوند: و از مهمان [های] او کام دل خواستند پس فروغ دیدگانشان را ستردیم و [گفتیم] [مزه] عذاب و هشدارهای مرا بچشید

مکارم: آنها از لوط خواستند میهمانانش را در اختیار آنان بگذارد!، ولی ما چشمانشان را نابینا و محو کردیم (و گفتیم) بچشید

عذاب و اندازهای مرا.

وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ ﴿٣٨﴾

فولادوند: و به راستی که سپیده دم عذابی پیگیر به سر وقت آنان آمد

مکارم: سرانجام صبحگاهان در اول روز عذابی مستمر و ثابت به سراغشان آمد.

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٩﴾

فولادوند: پس عذاب و هشدارهای مرا بچشید

مکارم: (و گفتیم) اکنون بچشید عذاب و اندازهای مرا.

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ﴿٤٠﴾

فولادوند: و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کردیم پس آیا پندگیرنده‌ای هست

مکارم: ما قرآن را برای یادآوری آسان کردیم آیا کسی هست که منکر شود؟

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ﴿٤١﴾

فولادوند: و در حقیقت هشداردهندگان به جانب فرعونیان آمدند

مکارم: اندازها و هشدارها (یکی پس از دیگری) برای آل فرعون آمد.

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَحْذَبًا عَزِيزًا مُّقْتَدِرًا ﴿٤٢﴾

فولادوند: [اما آنها] همه معجزات ما را تکذیب کردند تا چون زبردستی زورمند [گریبان] آنان را گرفتیم

مکارم: اما آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، و ما آنها را گرفتیم و مجازات کردیم گرفتن شخصی قدرتمند و توانا.

أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلَائِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ﴿٤٣﴾

فولادوند: آیا کافران شما از اینان [که برشمردیم] برترند یا شما را در نوشته‌ها [ی آسمانی] خط امانی است

مکارم: آیا کفار شما بهتر از اینها هستند؟ یا برای شما امان نامه‌ای در کتب آسمانی نازل شده؟!

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرُونَ ﴿٤٤﴾

فولادوند: یا می‌گویند ما همگی انتقام‌گیرنده [و یار و یاور همدیگر]یم

مکارم: یا می‌گویند: ما جماعتی متحد و نیرومند و پیروزیم؟

سَيَهْرَمُ الْجَمْعُ وَيُولُونَ الدُّبُرَ ﴿٤٥﴾

فولادوند: زودا که این جمع در هم شکسته شود و پشت کند

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

مکارم: (ولی بدانند) جمعشان به زودی شکست می‌خورد و پا به فرار می‌گذارند.

بَلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَىٰ وَأَمْرٌ ﴿٤٦﴾

فولادوند: بلکه موعدهشان قیامت است و قیامت [بسی] سخت‌تر و تلخ‌تر است

مکارم: (علاوه بر این) رستاخیز موعده آنها است و مجازات قیامت هولناکتر و تلختر است.

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٤٧﴾

فولادوند: قطعاً بزهکاران در گمراهی و جنونند

مکارم: مجرمان در گمراهی و شعله‌های آتشند.

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿٤٨﴾

فولادوند: روزی که در آتش به رو کشیده می‌شوند [و به آنان گفته می‌شود] لهیب آتش را بچشید [و احساس کنید]

مکارم: در آن روز که در آتش دوزخ به صورتشان کشیده می‌شوند (و به آنها گفته می‌شود) بچشید آتش دوزخ را.

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٤٩﴾

فولادوند: ما بچیزی که هر چیزی را به اندازه آفریده‌ایم

مکارم: ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم.

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَّمَحٍ بِالبَصْرِ ﴿٥٠﴾

فولادوند: و فرمان ما جز يك بار نیست [آن هم] چون چشم به هم زدنی

مکارم: و فرمان ما يك امر بیش نیست، همچون يك چشم بر هم زدن!

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٥١﴾

فولادوند: و هم مسلکان شما را سخت به هلاکت رساندیم پس آیا پندگیرنده‌ای هست

مکارم: ما کسانی را که در گذشته شبیه شما بودند هلاک کردیم آیا کسی هست که متذکر شود.

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ﴿٥٢﴾

فولادوند: و هر چه کرده‌اند در کتابها [ی اعمالشان درج] است

مکارم: و هر کاری را انجام دادند در نامه‌های اعمالشان ثبت است.

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ ﴿٥٣﴾

فولادوند: و هر خرد و بزرگی [در آن] نوشته شده

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

مکارم: و هر کار کوچک و بزرگی نوشته می‌شود.

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ﴿٥٤﴾

فولادوند: در حقیقت مردم پرهیزگار در میان باغها و نهرها

مکارم: پرهیزگاران در باغها و نهراهای بهشتی جای دارند.

فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٥٥﴾

فولادوند: در قرارگاه صدق نزد پادشاهی توانمند

مکارم: در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر.

